

سیره اهل بیت در ایجاد وحدت میان مسلمانان

سیدحسن فلاحیان (دانشجوی ارشد رشته ارتباطات و حج)

آیین مقدس اسلام برای هدایت انسان به مسیر رشد و کمال، برنامه‌های کامل تدوین نموده و به همه نیازها و ابعاد انسان توجهی ویژه دارد و راه رسیدن به کمال را در زندگی اجتماعی می‌داند. یکی از نیازهای جامعه اسلامی، مساله وحدت و یکپارچگی است که در زندگی جمعی مسلمانان نقشی بسیار مهم و سرنوست ساز ایفا می‌کند.

چکیده:

آیین مقدس اسلام برای هدایت انسان به مسیر رشد و کمال، برنامه ای کامل تدوین نموده و به همه نیازها و ابعاد انسان توجهی ویژه دارد و راه رسیدن به کمال را در زندگی اجتماعی می‌داند. یکی از نیازهای جامعه اسلامی، مساله وحدت و یکپارچگی است که در زندگی جمعی مسلمانان نقشی بسیار مهم و سرنوست ساز ایفا می‌کند. اقامه دین الهی و احکام نورانی آن، که ضامن نظم اجتماعی و امنیت و عدالت و همبستگی است؛ درگرو از بین بردن اختلافات و نزاع در دین است؛ چراکه با وجود پدیده شوم اختلاف، مصالح امت اسلامی به خطر خواهد افتاد و باعث سستی و شکست خواهد شد. اهل بیت(علیهم السلام) همواره از بنیانگذاران وحدت و از منادیان آن بوده و در سیره خود بر این امر مهم تاکید داشته اند. برخی از مصادیق؛ مانند: احترام به مقدسات مخاطب، تحمل عقاید دیگران، حل مشکل حقوقی مسلمانان را می‌توان رصد و ردیابی کرد. سوال اصلی ما در این نوشتار این است که سیره اهل بیت(علیهم السلام) در ایجاد وحدت میان مسلمین چه بوده است؟ فرضیه ای که در تحقیق مطرح گردیده، این است که امامان(علیهم السلام) با توجه به موقعیتها و شرایط اجتماعی در پی ایجاد وحدت بین مسلمانان بوده و بر برادری و وحدت امت اسلامی تاکید می‌کردند. در سیره حضرت علی(ع) می‌بینیم که آن بزرگوار جهت حفظ وحدت و جلوگیری از تشتت در جامعه اسلامی، از حق خود صرف نظر می‌کند و 25 سال خانه نشینی را متحمل می‌شود. این رفتار حاکی از اهمیت اتحاد و انسجام مسلمین دارد.

مقدمه:

مقصود از وحدت، وحدت امت اسلام است که خداوند می‌فرماید: (إِنَّ سَبَّ هَذِهِ أُمَّتِكُمْ أُمَّةً

وَاحِدَةً وَ أُنزِلَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ (انبیاء : 92)؛ «همانا این امت شما امت واحد است...» پس اساس این وحدت را قرآن نهاده است. قرآن کریم بارها مسلمانان را به عنوان «یک امت» مخاطب ساخته است؛ مانند (كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ...) (آل عمران: 110). (وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا...) (بقره : 143).

مسلمانان، موظف اند با اختلافات قومی و زبانی و اختلاف رأی در فروع فقهی و در روش‌های عملی و یا در فهم کتاب و سنت و گرایش‌های سیاسی، این وحدت را حفظ کنند و هیچگاه این قبیل اختلافات که وجودش امری طبیعی است، آنان را به فرقه‌ها و دسته‌ها تبدیل نکند و به درگیری و جنگ با یکدیگر وادار ننماید.

بنابراین، در آیاتی که مسلمانان را به وحدت دعوت می‌کند و از اختلاف باز می‌دارد، جمله (وَ لَا تَفَرَّقْ قُورًا) قید گردیده است مانند (وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ الْجَمْعِ وَ لَا تَفَرَّقْ قُورًا...)؛ «به ریسمان الهی چنگ زنید و از تفرقه بپرهیزید.» (آل عمران: 103). (شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ موسى وَ عيسى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقْ قُورًا...)؛ «... دین را به پا دارید و متفرق نشوید. ..» (شوری : 13)

سخن گفتن از وحدت، همواره توأم با یاد کردن از اختلاف است. در آیات بسیاری از قرآن، غالباً این دو مفهوم؛ یعنی وحدت و اختلاف با هم آمده است. علت تقارن و تلازم وحدت و اختلاف در کتاب و سنت، آن است که اگر اختلاف نباشد نیاز به سفارش به وحدت نیست. همواره توحید به وحدت، جهت پرهیز از اختلاف و تفرق موجود یا جلوگیری از اختلافی است که خطر بروز آن احساس می‌شود.

پرسش اصلی تحقیق این است که: سیر اهل بیت، در ایجاد وحدت بین مسلمین چه بوده است؟ با مطالعه سیر امامان این نکته به دست می‌آید که آن حضرات با توجه به موقعیت‌ها و شرایطی که فرا روی آنان بوده، وضعیت اجتماعی را همواره رصد کرده و برای ایجاد وحدت بین مسلمانان، از هیچ کوششی دریغ نکرده و بر برادری و وحدت امت اسلامی تأکید می‌کردند. در این نوشتار قصد داریم به طور محسوس سیر اهل بیت در مورد وحدت و انسجام بین مسلمانان را بررسی کنیم و نوع تعامل ائمه با جامعه زمان خویش را بیان نماییم.

معنای «وحدت»

وحدت؛ از ریشه «و ح د» مصدر است و در لغت به معنای «یگانه و یکی بودن» (ابن منظور، 1408، ج3،

ص 450). واژۀ نزدیک به آن، کلمۀ اتحاد است. طریحی کلمۀ «اتحاد» را به معنای «یکی شدن دو شیء» معنا کرده است (طریحی، 1375، ج 3، ص 158).

وحدت در لغت شناسی قرآنی، به معنای «یکی بودن» (راغب اصفهانی، 1412، ص 857) آمده است. در مباحث سیاسی، وحدت سیاسی و اتحاد سیاسی به یک معنا به کار رفته است (آقا بخشی، 1383، ص 527) و آن، یگانگی درونی و همبستگی بیرونی در عرصۀ حیات جمعی جوامع است (اولیور استلی برس، 1378، ص 860). در مجموع، وحدت در مفهوم ایجابی به معنای یکپارچگی و پیوستگی است و در مفهوم سلبی به معنای عدم تفرق است. و در اصطلاح اینکه ملت و امت اسلام باید با هم متحد باشند؛ یعنی مسلمانان باید جدای از هم عقاید و اختلاف نظری که در جزئیات دینی خود دارند، در مشترکات دینی خود چون خدا، قرآن، قبله، معاد، پیامبر، پاک زیستن و... یکی بوده و در برابر هر عاملی که بخواهد به یکی از این مشترکات خدشه وارد کند، ایستادگی نماید.

بنابر این، مراد از وحدت، برداشتن موانع مصنوعی و پیشگیری از اموری است که باعث جدایی، کینه و دشمنی میان مؤمنان می گردد. از تعاریف فوق به دست می آید که وحدت در اصطلاح یک مفهوم سیاسی اجتماعی است که به معنای یگانگی و همبستگی در کارکرد احزاب می باشد. (پور فرد، 1392، صص 29-48).

وقتی سخن از وحدت به میان می آید، منظور وحدت معقول است که با توجه به آزادی اندیشه و تعقل بیشتر می تواند مورد نظر قرار بگیرد که آن نیز عبارت است از؛ قرار دادن متن کلاسی اسلام بر اساس اعتقاد همۀ مسلمانان و کنار گذاشتن عقاید شخصی، نظری و فرهنگ محلی و خصوصیات آرا و نظریات مربوط به هر یک از اجزای متن کلاسی دین که به تعقل و اجتهاد گروهی یا شخصی مربوط است. مقصود این است که با توجه به مشترکات بین همۀ طوایف و فرقه های اسلامی، نظیر اعتقاد به خداوند یگانه، پیامبر اسلام و کتاب الهی و قبلۀ مشترک و اعتقاد به معاد و احکام اسلامی؛ مانند نماز، روزه، حج و زکات، همه با همدلی با یکدیگر همکاری کنند (مطهری، 1381، ج 25، ص 2726).

«سیره» به چه معنا است؟

سیره؛ از کلمۀ «سیر» به معنای رفتن است (طریحی، 1375، ج 3، ص 340).

راغب گوید: «سیر» در زمین راه رفتن و عبور کردن است. (راغب اصفهانی، 1412، ص 247). «سیره» نوع رفتار و حالتی خاص از حرکت انسان است؛ چنانکه «جلسه» یعنی نشستن، ولی «جلسه» بر وزن «فعله» نوع نشستن را گویند. بدین روی، «سیره» نوع حرکت است (ابن منظور، 1408، ج 6، ص 453). با توجه به معانی یاد شده، می توان «سیره» را نوع و سبک رفتار معنا کرد. در ادبیات فارسی نیز سیرت به معنای رفتار، طریقه و عادت و روش به کار رفته است (دهخدا، 1377، مادۀ سیرت).

محورهای وحدت مسلمین

برای ایجاد وحدت میان مسلمانان، محورهایی وجود دارد که از آنها به عنوان عوامل مشترک اتحاد میان فریق و مذاهب اسلامی یاد می‌شود:

الف) ایمان به وحدانیت خدا و پرستش او.

ب) ایمان به رسولان الهی و به خصوص ایمان به خاتمیت پیامبر(ص).

ج) باور به معاد و روز رستاخیز.

د) اشتراک در کتاب آسمانی قرآن کریم و باور به حقانیت و صدق گفتار او.

ه) اشتراک در بسیاری از اعمال عبادی؛ از قبیل نماز، روزه، حج، زکات و...

در اینجا به سیر اهل بیت در ایجاد وحدت میان مسلمانان می‌پردازیم:

1- سیاست صبر و سکوت

می‌دانیم که علی(ع) بعد از پیامبرخدا(ص) شایسته‌ترین فرد برای اداره امور جامعه اسلامی بودند و هیچ‌کس از نظر فضیلت، تقوا، شجاعت، جهاد در راه خدا و سایر صفات عالی انسانی به پای آن حضرت نمی‌رسید. لذا این انتظار می‌رفت که پس از رحلت پیامبر، امیر مؤمنان زمام حکومت اسلامی را در دست بگیرد و رهبری مسلمین را تداوم بخشد، اما در مقام عمل چنین اتفاقی نیفتاد و بعد از پیامبر(ص) مسیر خلافت اسلامی منحرف گردید و علی(ع) از صحنه سیاسی و مرکز قدرت در رهبری امت اسلامی به دور ماند. چون این انحراف برایش قابل تحمل نبود و سکوت را روا نمی‌دانست، بارها با استدلال و احتجاج‌های خود، خلیفه و هواداران او را مورد اعتراض قرارداد اما این اعتراضات چندان سودی نبخشید.

امیر مؤمنان در این جریان بر سر دو راهی حساسی قرار گرفت؛ یا باید در برابر حکومت نامشروع قیام می‌کرد و حق خود را می‌گرفت و یا وضع موجود را تحمل کرده، به وحدت و اتحاد جامعه نوپای اسلامی می‌اندیشید و به حل مشکلات امت اسلامی و وظایف خود می‌پرداخت؛ لذا تغییر شرایط سیاسی و اجتماعی آن روز باعث شد تا امام(ع) گزینه دوم را انتخاب کند.

حضرت به صبر و سکوت خود در برابر انحراف خلافت اسلامی از میسر اصلی اشاره کرده؛ خطاب به اعضای شورا فرموده اند:

«به یقین می‌دانید که سزاوارتر از دیگران به خلافت، من هستم. سوگند به خدا به آنچه انجام داده‌اید گردن می‌نهم، تا هنگامی که اوضاع مسلمانان رو براه باشد و از هم نپاشد و جز من به دیگری ستم

نشود و پاداش این گذشت و سکوت و فضیلت را از خدا انتظار دارم و از آن همه زر و زیوری که به دنبال آن حرکت می کنید، پرهیز می کنم.» [1] (دستی، 1379، ص 123).

در جای دیگر فرمود:

هنگامی که خداوند پیامبر خود را قبض کرد، قریش با خود کامگی، خود را بر ما مقدم شمرده، ما را که به رهبری امت از همه شایسته تر بودیم از حق خود بازداشت ولی من دیدم که صبر و بردباری براین کار، بهتر از ایجاد تفرقه میان مسلمانان و ریخته شدن خون آنان است؛ زیرا مردم به تازگی اسلام را پذیرفته بودند و دین مانند مشکى مملو^۱ از شیر بود که کف کرده باشد و کوچکترین سستی و غفلت آن را فاسد می سازد، و کوچکترین فرد آن را وارونه می کند.» (صبحی صالح، 1414، ص 308).

2- حل اختلافات حقوقی مسلمانان

کارنامه^۲ اهل بیت در موضوع اتحاد اسلامی و فراخوان جوامع بشری به همدلی و همفکری و همکاری براساس توحید و عدل، کارنامه ای درخشان و بلند و پر حجم است و بررسی رفتار و گفتار امام صادق(ع) در زمینه های زیر می تواند نقش آن امام بزرگوار را در اتحاد مسلمین بیش تر روشن سازد:

امام صادق(ع) و توصیه شیعیان به تقیه.

امام صادق(ع) و حل اختلافات فکری پیروان اهل بیت.

امام صادق(ع) و ارائه راهکار حل اختلافات حقوقی شیعه.

امام صادق(ع) و تأکید بر اصل همزیستی و مدارا با اهل سنت و هم^۳ فرق اسلامی.

امام صادق(ع) و تأکید بر نماز جمعه و جماعت و اعیاد اسلامی.

امام صادق(ع) و برخورد هشیارانه ایشان با نمایندگان و کارگزاران دولت عباسی، زمین^۴ جهاد فرهنگی بزرگی را فراهم آورد. هرکدام از محورهای پیش گفته، بخشی از کارنامه^۵ امام ششم را نشان می دهد که چگونه آن حضرت همچون دیگر پیشوایان پاک اسلام در جهت «عبادت الهی» و «عدالت اجتماعی» و «تحکیم روابط امت اسلامی» و هدایت جامع^۶ بشری گام برداشتند؛ برای نمونه یکی از برنامه های وحدت آفرین آن پیشوای پاک یادآوری می شود:

مفضل بن عمر گوید: «هرگاه بین دو نفر از شیعیان ما درگیری [مالی] دیدی، آن را با پرداخت اموال من حل کن.» [2] (کلینی، 1407، ج 2، ص 209).

هزینة وجوه شرعی در جهت اتحاد و برادری پیروان اهل بیت و حلّ اختلافات درونی، یکی از برنامه های معروف امام صادق(ع) است.

3- تأکید بر همزیستی مسالمت آمیز و مدارا با اهل سنت و سایر فرق اسلامی

وظیفه شرعی شیعیان در تعامل با برادران اهل سنت چیست؟ آیا باید با آنها جنگید؟ به عقاید یا مقدسات آنان اهانت کرد؟ یا راه دیگری وجود دارد که اهل بیت برای شیعیان تبیین کرده اند؟ همواره در بین شیعیان و اهل سنت افراد تندرویی وجود داشته اند که بر آتش درگیری مذهبی دمیده اند.

در نقطه مقابل، شیعیان و اهل سنت معتقد به همزیستی مسالمت آمیز نیز در طول تاریخ کم نبوده اند. به همین جهت هم معاویه بن وهب ناظر به این پدیده اجتماعی از امام صادق(ع) می پرسد:

«شایسته است در ارتباط بین خود و قوممان و همچنین در ارتباط با مردم دیگر که بر اعتقاد ما باور ندارند، چگونه رفتار کنیم؟» (کلینی، 1407، ج2، ص636).

پرسش معاویه بن وهب دو بخش دارد: 1. شیوه رفتار شیعیان با یکدیگر 2. شیوه رفتار و تعامل آنان با اهل سنت، اما امام(ع) در پاسخ، تفکیک نکرده و هر دو پرسش را یک پاسخ داده اند؛ یعنی نسبت به شیعیان و اهل سنت، هر دو باید این رفتار اجتماعی را داشته باشید.

واژه «خُلَاطَائِنَا مِنَ النَّاسِ» را به کار برده اند؛ «خُلَاطَائِنَا»؛ یعنی این که زندگی آنها با ما آمیختگی اجتماعی دارد. ما در جامعه ای زندگی می کنیم که همسایه، دوست، همکلاسی، همکار و حتی بعضی فامیل دور و نزدیک شیعه نیستند. باید چه کنیم؟ در این روایت به قرینه اینکه فرمود: «مِمَّنْ لَيْسُوا عَلَيَّ أَمْرِنَا»؛ یعنی کسانی که ولایت اهل بیت را قبول ندارند این معنا روشن تر می شود.

و فرمودند: «نگاه کنید به امامانی که از آنان پیروی می کنید.»؛ «قَالَ: تَنْظُرُونَ إِلَيَّ أَئِمَّةً تَكْمُ الَّذِينَ تَقْتَدُونَ بِهِمْ...»؛ «هرکاری که آنها می کنند شما هم همان کار را انجام دهید.»؛ «فَتَمَّزَعُونَ مَا يَمْنَعُونَ».

در اینجا امام صادق(ع) قسم می‌خورند تا تأکید کنند و شک شیعیان‌ش هم برطرف شود: «فَوَ اِنَّ
 اِنَّ نَبَّهْمُ لَيَعُوْدُوْنَ مَرَضًا هُمْ»؛ «به خدا قسم اهل بیت از مریضان سایر مذاهب عیادت می‌کنند.»؛
 «وَ اِشْهَادُوْنَ جَدَائِزَهُمْ»؛ «در تشییع جنازه های آنها حاضر می‌شوند.» «وَ اِیْقِیْمُوْنَ
 الشَّهَادَةَ لَهُمْ وَ اَعْلَیْهِمْ»؛ «در دادگاه به نفع یا علیه آنها شهادت می‌دهند.» «وَ اِیْؤَدُّوْنَ
 اِلَآ مَا نَنَآ اِلَیْهِمْ»؛ «و امانت را به آنها برمی‌گردانند.» (کلینی، 1407 ق.، ج 2، ص 636).

برخی اصطلاحات به دلیل شرایط سخت امنیتی و سیاسی، در روایات اهل بیت به شکل کنایه به کار برده می
 شده تا در نقل، حساسیت برانگیز نباشد. این هم خود ظرافت و دقت اهل بیت و وحدت‌گرایی ایشان را حتی
 در گفتار و نقل حدیث می‌رساند.

4- دعوت و تأکید بر وحدت در جامعه اسلامی

در این بخش به سیر امام رضا(ع) اشاره می‌کنیم؛ مبانی نظری و محورهای وحدت اجتماعی در سیر
 امام رضا(ع) با مطالعه در تعالیم اعتقادی و رفتاری آن حضرت روشن می‌شود که هر چند ایشان موفق به
 تشکیل حکومت نشدند، اما ادار امور جامعه بر مبنای وحدت و نیز نگاهی همراه با رحمت به غیر
 مسلمانان و نزدیک نمودن آنان به یکدیگر را جزو اساسی‌ترین برنامه های یک حکومت مطلوب و موفق
 می‌دانستند. از نگاه امام رضا: چون انسان موجودی اجتماعی است که در جامعه زندگی می‌کند، لذا
 برای تحقق اهداف خود نیازمند برقراری ارتباط با سایر افراد است تا بتواند در ورای این برقراری
 ارتباط، به نتایج مطلوب مورد انتظار خویش برسد و این امر جز با وحدت و نزدیکی و ایجاد همدلی و
 یکرنگی تحقق نخواهد یافت. آن حضرت با استناد به کلام امام صادق: به یاران خویش توصیه می‌فرماید:
 «از تشتت و تفرقه و جدایی بپرهیزید؛ زیرا موجب هدر رفتن همت و کم شدن ارزش و پایین آمدن قدر و
 منزلت شما شود...» (مجلسی، 1414، ج 15، ص 53).

ایشان در جای دیگر جدایی از اجتماع مسلمانان و به تعبیری خروج از وحدت اجتماعی را به نوعی بیرون
 شدن از دایره مسلمانان و بازگشت به جاهلیت دانسته و با تکیه بر کلام حضرت رسول(ص) فرمودند:

«آن که از جماعت مسلمانان جدایی جوید، بند اسلام را از گردن نهاده است و مرگی جاهلانه خواهد

از نظر امام رضا (ع) مقصود از وحدت اجتماعی گرد آمدن صاحبان سلیقه ها و روش های گوناگون بر محور اسلام با رعایت اصل عملی احترام به عقاید و آرای دیگران و به تعبیر دیگر وحدت بین مسلمین و تقرب مذاهب اسلامی بر اساس اصول مسلم و مشترک اسلامی و اتخاذ موضع عملی واحد جهت تحقق اهداف و مصالح عالی امت اسلامی و موضع گیری واحد در برابر دشمنان اسلام و نیز تحمل سلیقه ها و ذوق ها و برخورد های مختلف است.

5- توهین نکردن به مقدسات دیگران و خوش رفتاری

یکی از روش های ایجاد وحدت، محبت و جذب دیگران به خود و داشتن ارتباط مؤثر، خوش زبانی است. قرآن مجید مؤمنان را به خوش سخنی سفارش می کند و تذکر می دهد که بد زبانی اخلاقی شیطانی است که باعث تفرقه و جدایی می شود:

«به بندگانم بگو: سخنی بگویند که بهترین باشد! چرا که (شیطان بوسیله سخنان ناموزون)، میان آن ها فتنه و فساد می کند همیشه شیطان دشمن آشکاری برای انسان بوده است!» (اسراء : 53).

«و به مردم نیک بگویند.» [3] (بقره: 83).

امام باقر (ع) در تفسیر این آیه می فرماید:

«خداوند به انسانی که بسیار لعن و نفرین می کند و طعنه زده، سخنان زشت بر زبان می آورد دشمن می دارد. سخنی را به مردم بگویند که دوست دارید مردم آن سخن را به شما بگویند.» (فیض کاشانی، 1425، ج1، ص638).

قرآن کریم به طور صریح توهین به پیروان ادیان و مذاهب دیگر را ممنوع دانسته است:

«(به معبود) کسانی که غیر خدا را می خوانند دشنام ندهید، مبادا آن ها (نیز) از روی (ظلم و) جهل،

به حکم این آیه شریفه توهین کردن به عقاید دیگران هر چند باطل باشد راه صحیحی نیست. علی (ع) به بعضی از اصحاب خود که به مخالفین دشنام می‌دادند سفارش می‌کند:

من خوش ندارم که شما دشنام دهنده باشید، اما اگر کردارشان را تعریف، و حالات آنان را باز گو می‌کردید به سخن راست نزدیک تر، و عذر پذیرتر بود.» [5] (هاشمی خویی، 1400، ج 13، ص 82).

خواجه یکی از سرسخت ترین گروه دینی مخالف امام علی(ع) بودند، اما بنا به فرمایش امام باقر: آن حضرت هیچ گاه آنان را به کفر، شرک و نفاق متهم نکرد، بلکه فرمود: «هُمُ إِخْوَانُنَا بَعْوَاهُ عَلَيْنَا» (حمیری، 1413، ص 94).

6- تحمل عقاید دیگران و عدم تکفیر مخالفین

انسانها بر اساس نگرش هایی که دارند عمل می‌کنند و برای خود به یک عقیده ای متمایل می‌شوند و از آن دفاع می‌کنند. هم اعمال و رفتار انسان برطبق عقیده است؛ خواه درست باشد یا غلط. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد، به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود (و در آن بیندیشد)! سپس او را به محل امنش برسان، چرا که آنها گروهی ناآگاهند!» [6] (توبه: 6).

زراره یکی از شاگردان برجسته امام باقر و امام صادق 8 است. او انسانها را از جهت دینی به دو گروه کافر و مؤمن تقسیم کرده و از تقسیم مسلمانان به خودیو غیرخودی سخن به میان می‌آورد. اما امام صادق: با اشاره به گونه های دیگری از مردم؛ مانند «مستضعفان فکری» و «اهل اعراف» که بر اساس آموز قرآن واسطه بین ایمان و کفرند، دیدگاه وی را رد کرد و این انحصار را مردود اعلام نمود. جالب توجه این که امام(ع) تنگ نظری و افراط زراره در تعمیم کفر به تمامی جاهلان و منکران امامت را ناشی از جوانی و جهل و کینه وی نسبت به مخالفان دانسته و یادآوری می‌کند که:

«اِنَّ كَيْدَ رَجَعَتْ وَ تَحَلَّتْ عَنْكَ عُقْدُ» (بحرانی، 1374، ج2، ص5489)،

هیچ گاه از امامان شیعه شنیده نشد که بگویند: کسی که امامت ما را قائل نیست از دین خارج است. بیشتر روایاتی که درباره عقیدۀ به ولایت اهل بیت است، مربوط به مسأله محبت اهل بیت است، آن هم در مقابل بنی امیه و برخی از خوارج که دشمن واقعی اهل بیت بودند.

در زمان امام مجتبی تا امام سجاد، دشمنانِ امیر مؤمنان فعال بودند و تبلیغات آنان شیوع داشت. در مقابل این تبلیغات ائمه این حرف ها را می گفتند و عمده نظر آنان به مخالفان (دشمنان) اهل بیت بود. پر واضح است که ماهیت اسلام، چیزی جز گواهی دادن به وحدانیت خداوند و رسالت پیامبر و اعتقاد به معاد نیست و غیر از این امور، هیچ چیز دیگر، از جمله اعتقاد به ولایت ائمه، در ماهیت اسلام دخالت ندارند. بنابراین، امامت از اصول مذهب است، نه دین (موسوی خمینی، ج3، ص327).

در روایتی، به نقل از هاشم بن برید، امام صادق (ع) از دیدگاه برخی از اصحاب برجسته خود مبنی بر تکفیر مخالفان امامت ائمه تعجب کرده و ضمن ردّ باور آنها به آنان هشدار می دهد که:

«بسیار بد است برای شما چیزی را که از ما نشنیده اید، از پیش خود بگویید.» (کلینی، 1407، ج2،

ص399)

آنچه از روایات به دست می آید این است که در سیر اهل بیت تکفیر مخالفین (اهل سنت) جایی ندارد و بلکه ائمه اصحاب و شیعیان خود را از این امر ناپسند برحذر می داشتند.

امام موسی صدر که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، رهبری و زعامت شیعیان لبنان را بر عهده داشت و یک متفکر اجتماعی شیعی است و در سفرهایی به کشورهای شمال آفریقا، طرحی نو جهت همفکری مراکز اسلامی مصر، الجزایر و مغرب با حوزه های علمیه شیعه لبنان در انداخت و نیز اولین دور سلسله گفتگوهای اسلام و مسیحیت را با حضور بزرگان این دو دین، در مؤسسه فرهنگی «الندوة اللبنانية» به راه انداخت و از سال ۱۳۴۷ به عضویت مرکز اسلام شناسی استراسبورگ در آمد، دو راهکار اساسی جهت ایجاد وحدت مطرح می کند:

وحدت فقهی

کوشش های مشترک

«وحدت فقهی در نظر امام موسی صدر این نیست که اختلاف فتوا در میان فقها و اندیشمندان اسلامی وجود نداشته باشد. اختلاف در فضای نظری، به سیر تکاملی فقه می افزاید. به پیوایی آن کمک می کند و مایه حرکت مجتهد و شکوفایی اجتهاد می گردد. بنابراین، اختلاف بینش ها تا زمانی که در مرحله نظریه ای علمی قرار دارد، مایه خیر و برکت است، اما آنگاه که این نظریه ها بخواهد به فتوا و حکم قابل عمل در جامعه تبدیل شود و در قیافه شعائر دینی بروز کند، اگر به طور واحد، هماهنگ و یکپارچه نباشد، ناخواسته منشأ چند دستگی، تفرقه و بدبینی خواهد شد که لازم است از آن پرهیز شود.» (پگاه حوزه، 1386، شماره 207، ص 47).

تعبیر امام موسی صدر از کوشش های مشترک، همان بسیج نیروهای مشترک است که در جهت تحقق هدفهای گوناگون تلاش می کند و راهی است که خود به خود دست آورد وحدت جویانه به دنبال دارد.

کوشش های مشترک به تلافی دو عامل و دو هم‌رزم در یک میدان که در نتیجه، حس اعتماد گسترش می یابد و دلها به آرامش می رسد و یکی از مظاهر وحدت عقیده و عواطف، خود می نماید. (اباذری، 1381، ص 277).

سپس به بیان چند مثال در ذیل «کوشش های مشترک» می پردازد که می تواند به عنوان راهکارهای علمی و عینی در خصوص وحدت در میان امت اسلام مطرح گردد. یکی از مهمترین این مثال ها «هدف های شرعی» است؛ مانند یکی کردن اعیاد و شعائر دینی و شکل پاره ای عبادات چون «اذان، نماز جماعت و...» مثلا می توان این پیشنهاد را بررسی کرد که در رویت هلال به طریق نوین علمی و تعیین زاویه دید هلال در افق تکیه کنیم و روز عید را با دقت علمی مشخص کنیم تا هم مسلمانان در یک روز عید داشته باشند و در بسیاری دشواری ها صرفه جویی شود... و نیز می توان شکلی از اذان را که برای همگان مورد قبول باشد بررسی نمود. (اباذری، 1381، ص 277).

نتیجه گیری:

وحدت یکی از آموزه های مهم قرآن کریم و از سفارش های مؤکد پیامبر گرامی اسلام و اهل بیت است. ائمه با سیر عملی و کلمات روشن بخش خود، همواره امت اسلامی را به اتحاد و پیوستگی و دوری از تفرقه و پراکندگی دعوت نموده اند. اسلام هرگونه مرز بندی اعتقادی، سیاسی و فکری را درون جامعه نفی می نماید. مسلمانان جهان با تمسک به مشترکات؛ از قبیل (قرآن، پیامبر، قبله و...) می توانند زندگی

مسالمت آمیز داشته باشند و با توجه به مسائل اشتراکی، به اهداف جامع‌الاسلامی برسند. در سیر اهل بیت، بحث وحدت مسلمین به طور ملموس واضح است که همواره مسلمانان را به دوری از اختلاف توصیه کرده و بر اتحاد مسلمین تأکید داشته اند. به لحاظ شرایط سیاسی و اجتماعی متفاوتی که ائمه با آن مواجه بودند، تاکتیک‌ها و روش‌های آنان هم متفاوت بود و بر اساس موقعیت‌ها و مصالح نظام و حفظ اساس اسلام در پی ایجاد وحدت بوده اند و با محور قرار دادن مشترکات بین مسلمانان در گفتار و رفتار و عمل، بحث وحدت را مطرح می‌نمودند و در حقیقت اخلاق عملی خود را در ایجاد وحدت به پیروان خود نشان دادند تا به عنوان الگوی تمام عیار در هم‌زمینه‌ها پیروان ائمه از ایشان تأسی بجویند و سیر آن بزرگواران را سرلوحه زندگی اجتماعی خود قرار دهند.